



دانشگاه علوم پزشکی خدمات
بهداشتی درانی استان اصفهان

حجاب و عفاف



قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است!

فهرست مطالب

مقدمه	۴
مفهوم لغوی حجاب	۷
انواع حجاب قرآنی	۹
کیفیت حجاب و عفاف	۱۱
جایگاه حجاب و عفاف در جوامع امروزی	۱۲
آثار و جلوه های تربیتی عفاف و حجاب	۱۴
آثار اجتماعی عفاف و حجاب از منظر روانشناسی	۱۷
بی حجابی و حق الناس	۲۵
پیامدها و آسیب های اجتماعی بدحجابی	۲۶
تضعیف اعتقادات دینی و ارزشهای متعالی	۲۸
سلطه دشمنان و تأمین هدف و منافع آن	۲۹
اثرات مخرب نگاه های شیطانی	۳۲
نتیجه گیری	۳۷
منابع	۴۰

حجاب و عفاف یک دستور دینی است و از مسائل مهم و کلیدی جامعه ما است؛ با بسیاری از مسائل پیوند خورده و دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است. حیا و پاکدامنی در ذات زنان نهادینه و در دین مبین اسلام نیز بر آن تاکید فراوانی شده است. زیرا پایبندی و عمل به احکام و دستورات دینی، موجب سعادت و سلامتی بشریت می‌شود. همان‌طور که رعایت آن به عنوان یک امر ضروری می‌تواند مفید باشد، عدم رعایت آن نیز پیامدهایی منفی را به همراه دارد. حجاب و عفاف از ضرورت‌های اجتماعی جوامع انسانی است و نهادینه شدن فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه ضامن سلامت جامعه می‌باشد. سیمای حقیقی حجاب و عفاف محدود کردن و تحمیل سختی بر زن نیست، بلکه به منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم محسوب می‌شود.

حجاب از ارزنده‌ترین نمودهای فرهنگی اجتماعی در تمدن ایرانی- اسلامی است که پیشینه آن به قبل از ورود اسلام می‌رسد، اما در فرهنگ اسلامی به اوج تعالی و منتهای ارزش و اعتبار خود می‌رسد. حجاب و عفاف پدیده‌ی مذهبی- ارزشی مهمی در تعالیم اسلامی است و توجه به زمینه‌های فرهنگی- اجتماعی به عنوان بستر آن بسیار شایسته و لازم است و اشاعه و تعمیق آن نیازمند آموزش‌های بنیادین و مداوم در خانواده، مدرسه و دانشگاه و اجتماع است. بحث عفاف و حجاب محدود به زمان خاص و معین نیست، بلکه همواره باید به عنوان اصل اساسی ارزشی و اسلامی در جامعه جاری و تا ابد پایدار و ماندگار بماند. رعایت حجاب و پوشش یک نیاز طبیعی و ذاتی برخاسته از فطرت انسانی است. بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان حوزه دین و اجتماع یکی از ریشه‌های مهم مشکلات و نابسامانی‌های جوامع را، فقدان یا ضعف عفاف و حجاب می‌دانند. ریشه بسیاری از مفاصل اجتماعی بی‌حجابی و عدم رعایت این تکلیف دینی است. بدیهی است که در کنار شرایط مساعد اجتماعی ارزش تلقی کردن و الگوپذیری این فرهنگ نیازمند درونی و نهادینه شدن آن در وجود افراد است. بدون شک رسیدن به این هدف نیازمند مشارکت و توجه جدی همه نهادها و دستگاه‌ها به صورت مستمر و هدفمند است برای ایجاد فرهنگ حجاب و پوشش مناسب در جامعه، باید ابتدا پایه‌های اعتقادی و بینش افراد نسبت به این موضوع را محکم کنیم و این یعنی نهادینه‌سازی باورهای درست و فرهنگ سازی دقیق. بنابراین تهدید و اجبار، هیچ‌گاه به عنوان اولین راهکار، اثربخش نخواهد بود. رعایت حجاب، زمینه‌ساز بهداشت روانی بوده که با تقید به معنویات تقویت می‌شود و تردید در باورها، حجاب را تضعیف می‌کند. دارا بودن حجاب مناسب، نشان دهنده عزت نفس است.

یکی از نیازهای حقیقی در زمینه‌های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی مسأله عفاف و حجاب است. هرچه الگوهای عفاف و حجاب مراتب برتر و بالاتری داشته باشند، تأثیر بیشتری بر معنویت و دینداری فرد و جامعه خواهد گذاشت

و هرچه حجاب فردی و اجتماعی، متعالی باشد، تقدس و حرمت اخلاقی و رشد و تعالی جامعه اسلامی بیشتر خواهد بود. حجاب آثار تربیتی در دو زمینه فردی و اجتماعی دارد که مهم‌ترین آثار حجاب در بعد فردی شخصیت، سلامت جسمانی، استحکام خانواده، آرامش و امنیت و در بعد اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، آزادی زن، سلامت اخلاقی جامعه و حفظ نیروی کار اقتصادی و حفظ استقلال فرهنگی است. حجاب به معنای پوشاندن بدن زن در برابر نامحرم از احکام ضروری دین اسلام است. در ادیان الهی دیگر، از جمله آیین زرتشت، یهود و مسیحیت نیز این حکم با تفاوت‌هایی وجود دارد. یکی از نیازهای حقیقی و مسلم در زمینه‌های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی، مسأله حجاب و عفاف است. هرچه خلأ در این زمینه محسوس‌تر باشد، مشکلات و آسیب‌های سلامت، رشد و امنیت فردی و اجتماعی فزون‌تر است. هرچند مسأله حجاب و عفاف به ظاهر یک مسأله کهن و تکراری است، ولی ابعاد نوینی دارد که با هر کلمه و هر سخنی می‌توان بعضی از این زوایا را استخراج کرد. یکی از راه‌های گسترش و توسعه حجاب و عفاف این است که درباره مفهوم حجاب و آثار تربیتی آن در اسلام بپردازیم.

عفاف در قرآن کریم به معنای «حالت نفسانی که از غلبه شهوت باز دارد» آمده است. به بیان قرآن کریم عقیف به شخصی اطلاق می‌شود که خود نگهدار و با مناعت باشد. مطابق این معنا عفاف در مفهوم عام خود عبارت از خویش‌داری در مقابل هر نوع تمایل افراطی نفسانی است. عفاف مورد توجه در اسلام به هیچ وجه جنسیتی مطرح نشده و به صنف خاصی اختصاص ندارد و برای زن و مرد یک فضیلت اخلاقی به شمار می‌آید.

مسأله پوشش و حفظ عفاف خاص دنیای اسلام و حتی دنیای ادیان توحیدی نیست. بر اساس زمینه فطری، حتی جوامع اولیه و به دور از تمدن و مذهب هم آن را مورد توجه خود قرار داده‌اند و در همه جوامع و ملل به صورت‌های گوناگون کم و بیش وجود داشته است، اما با آمدن اسلام این مسأله به عنوان یک حکم تکلیفی و ضروری برای زنان تعیین گردید. البته با بررسی آیات و روایات درمی‌یابیم که رعایت عفاف شامل مردان نیز می‌شود و نیز در لزوم رعایت عفاف، تفاوتی بین افراد زن و مرد وجود ندارد اما به علت طبیعت و روحیه زنان اسلام برای آن که قدر و ارزش زن‌ها محفوظ باشد با مقرر داشتن حکم پوشش زنان را از سهل‌الوصول بودن مصون داشته و با حجاب محدوده مطمئن‌تری پیرامون او قرار داده است. بنابراین برای سالم‌سازی جامعه باید به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد و سلامت و امنیت اجتماعی در جامعه پایدار شود. حفاظت و مراقبت از عفت عمومی هم بر عهده زنان و هم مردان است مردان با غیرت فردی و اجتماعی و زنان با آرم و حیا باید عفت عمومی جامعه را پاس دارند. یکی از نمادهای حیا و عفاف نماد پوشش و لباس بوده است و پابندی به آن برای زنان و مردان، افتخار و شرافت به حساب می‌آمده است.

تحولات جوامع بشری، محرم و نامحرم معنای خود را از دست داد شرم حیا و عفت همراه با لباس زن فرو ریخت و تمام محدودیت‌ها در تعامل دو جنس مخالف از میان برداشته شد، و پوشش اندام مشخص‌کننده جنسیت زن، نشانه عقب ماندگی و مخالف حق آزادی او قلمداد گردید.

بر اساس تحقیقی در آمریکا در سال ۱۹۹۲، صد و دو هزار و پانصد مورد تجاوز جنسی به ثبت رسیده است. با اینکه به گزارش اف بی ای تجاوز توام با خشونت و زور از جرائمی است که کمترین میزان گزارش درباره آن وجود دارد». به گفته‌ی محققان، زن آرایش کرده و نیمه عربیان غربی با هیولای تجاوز جنسی روبه‌روست، هر زنی ۱۴ تا ۲۵ درصد احتمال تجاوز به خود را می‌دهد. بر اساس بازرسی که صورت گرفته است ۸۰ درصد دختران دانش‌آموز انگلیسی در کیف خود قرص ضدبارداری حمل می‌کنند و ۴۵ درصد دختران جوان در مدارس مختلف عفت‌شان را از دست می‌دهند. این نسبت در مقطع تحصیلات عالی به شدت افزایش می‌یابد. همان‌گونه که در گزارش‌ها و اظهارنظرها آمده است خود زن‌ها، آگاهانه یا به صورت ناخودآگاه نقش لباسی و پوشش را در رابطه با تأمین مصونیت خود مؤثر می‌شناسند، ولی پژوهشگران وضعیت ظاهری آنان را عامل اصلی نمی‌دانند. و به جای پیشنهاد پوشش، آموزش مهارت‌های دفاعی و با خود داشتن بمب‌های پر شده با گاز اشک‌آور را به عنوان عوامل بازدارنده از تجاوز معرفی می‌کنند.

با این حال مقوله بی‌حجابی امروزه به صورت یک معضل کاملاً مشهود نیز در جامعه ما دیده می‌شود. معضلی که فقط برای افراد بی‌حجاب مشکل ایجاد نمی‌کند؛ در واقع آسیب‌هایی که از بی‌حجابی ناشی می‌شود، تمام اعضای جامعه را در بر می‌گیرد. حجاب و عفاف که یک دستور دینی است از مسائل مهم و کلیدی جامعه ماست و با بسیاری از مسائل پیوند خورده و دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است.

حجاب به هر حال محدودیت‌هایی را به همراه دارد و چه بسا آنان که فرصت تأمل ندارند یا در سایه وسوسه فرهنگ غرب زندگی می‌کنند، پیشنهاد حجاب را برای زنان تبعیض‌آمیز و مصداقی از استبداد و خودخواهی مردان تلقی نمایند و تحت فشار تبلیغات رو به گسترش فیمینیستی آهنگ رویاروی با آن را سر دهند یا در صورت ناگزیری با احساس مظلومیت، سر تسلیم در برابر آن فرود آورند. اگرچه حجاب و عفاف نوعی محدودیت و زحمت را برای زنان به همراه دارد، ولی امروز به آسانی می‌توان مشاهده کرد که نفی حجاب و عفاف و کنار نهادن آن از سوی زنان آثار ویرانگری را برای جوامع بشری پدید آورده است و در این فروریزی ارزش‌ها، بیشترین آوارها بر سر زنان فرود آمده و به خود آنان آسیب‌زده است.

در واقع پوشیدگی زن همان گونه که بر اساس تجربه عملی جلوی تجاوز جنسی را می گیرد و نگرانی ناشی از این خطر را از دل او می زداید، از نگرانی ناشی از عادت به نمایش افراطی و تصور پیری نیز پیشگیری می کند و در عین حال به عنوان نماد عفت و حیا، به میزان مقبولیت و محبوبیت او نیز می افزاید.

امام علی علیه السلام در این مورد فرموده اند: پوشیده و محفوظ داشتن زن مایه آسایش بیشتر و دوام زیبایی اوست. در واقع می توان گفت نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف به عنوان یکی از ضرورت های باورهای دینی مستلزم برنامه ریزی صحیح در سه حوزه فرد، خانواده و جامعه است که این برنامه باید بر پایه ی مفهوم درست حجاب و عفاف باشد.

مفهوم لغوی حجاب

به گفته اهل لغت، این واژه به صورت متعدی و به معنای در پرده قرار دادن به کار می رود. ابن درید می گوید: «حجبت الشيء... إذا سترته و الحجاب الستر... احتجبت الشمس في السحاب إذا تستترت فيه» حجاب، پوششی است که روی شیء را فرا می گیرد و حجاب یعنی پرده... زمانی که خورشید در ابر فرو می رود عرب می گوید: «احتجبت الشمس في السحاب». فیومی این واژه را چنین توضیح می دهد: حجب فعلی متعدی است و به معنای مانع شدن به کار می رود. به پرده، حجاب می گویند. زیرا مانع از دیدن است و به دربان حاجب گفته می شود. زیرا وی مانع از ورود افراد است. این واژه در اصل بر موانع جسمانی اطلاق می گردد، ولی برخی مواقع به موانع معنوی نیز حجاب گفته می شود. از گفتار اهل لغت می توان نتیجه گرفت که در زبان عرب حجاب به پوششی گفته می شود که مانع از دیدن شیئی پوشیده می شود. استاد مطهری نتیجه تحقیقات لغوی خود را درباره این واژه چنین بیان می کند که کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشترین استعمال آن به معنی پرده است. این کلمه از آن روی مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت، هر پوشش حجاب نیست و آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

مفهوم اصطلاحی حجاب

حجاب در علوم چون عرفان، طب و دیگر علوم، تعریف خاص خود را دارد. در فقه این واژه در معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان دو چیز باشد به کار رفته است و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده است. در دوران متأخر، این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده است و به پوشش خاص زن اطلاق گردیده است. شهید مطهری

در این باره می‌فرماید: استعمال کلمه حجاب درباره پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار می‌رفته است. معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در باب پوشش به کار برده می‌شود، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوط نیز همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است. معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی است که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد. تردیدی نیست که حجاب در این اندازه یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده است و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند.



حجاب در قرآن

انواع حجاب قرآنی

قرآن پذیرفته است که تعامل زن و مرد در حیات اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است، ولی درباره محتوا، شکل و شیوه معاشرت، طرح و توصیه ویژه دارد.

۱- حجاب چشمی

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «حماديات النساء غرض الابصار حفر الاعراض قصر الوهازه»

رسول خدا می‌فرماید: بارزترین درجه زنان سه چیز است: پوشیدن چشم از نامحرمان، پوشیدن تمام اندام از بیگانگان، کم و با حیا از منزل بیرون شدن.

قرآن در این آیه می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ» (سوره نور، آیه ۳۰) «مؤمنان را بگو دیدگان خویش را فرو دارند و شرمگاه‌های خود را بپوشانند، این برای افزایش تزکیه آنها مؤثرتر است» یا در این آیه می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ...» (سوره نور، آیه ۳۱) «و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند...».

رسول خدا همچنین می‌فرماید: برای هر عضوی بهره‌ای از زنا است و زنا چشم نگاه بد (چشم‌چرانی) است..

۲- حجاب گفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است. چنانکه در آیه زیر می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (سوره احزاب، آیه ۳۲).

پس در گفتار فروتنانه و با کرشمه سخن مگویید تا بیمار دلان به طمع نیفتند و لحن پیراسته از باطل بر زبان جاری کنید.

۳- حجاب رفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند. چنانچه در آیات زیر می‌فرماید: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتَيْنِ» (سوره نور، آیه ۳۱).

«پای بر زمین مکوبند به گونه‌ای که زینت پنهان داشته‌شان را به اطلاع دیگران برسانند و مردان غریبه را به خود جلب نظر نمایند».

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: بهترین زنان شما زنی است که برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، اما خود را از نامحرمان بپوشاند.

خودنمایی حتی اگر توسط زنان سالخورده هم صورت بگیرد، نارواست. «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ» (سوره نور، آیه ۶۰). «زنان بازنشسته که امید به ازدواج ندارند، اجازه دارند که جامه‌های خود را کنار گذارند، بدون اینکه با زیورآلات‌شان به خودنمایی بپردازند».

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (سوره احزاب، آیه ۳۳) «به گونه خودنمایی جاهلیت پیشین و به خودنمایی نپردازید».

امام صادق (ع) نیز با اشاره به چنین پیش‌بینی از آیه یاد شده می‌فرماید: «ای سیکون جاهلیه آخری»: «در آینده نه چندان دور، جاهلیت دیگری شکل خواهد گرفت».

۴- حجاب قلبی

«وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (سوره احزاب، آیه ۵۳) «هرگاه از زنان پیامبر (ص) کالایی خواستید از پشت پرده بخواهید این سبب افزایش طهارت دل‌های شما و آنان می‌شود».

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمایند: از گفتگو و اختلاط با زنان بپرهیز. به راستی هیچ مردی با زن نامحرمی در خلوت سخن نمی‌گوید مگر اینکه در دل او نسبت به وی رغبت پیدا می‌کند». بنابراین حجاب و پوشش زن، به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرمی است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند.

کیفیت حجاب و عفاف

پوشش واقعی پوششی است که بدن انسان را از نامحرمات بپوشاند و نازک و بدن نما نباشد. علی (ع) فرمودند: «علیکم بالصفیق من الثیاب فإن من رق توبه رق دینه» از لباس نازک بپرهیزید. زیرا کسی لباسش نازک است ایمانش هم ضعیف و کم‌رنگ است، حجاب باید همراه باحجب و حیا باشد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز می‌فرمایند: برای زن سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه‌اش لباسش را جمع و فشرده کند.

حضرت علی (ع) درباره حقیقت عفت نیز می‌فرماید: «الصَّبْرَ عَلَى الشَّهْوَةِ عِفَّةٌ» عفت مقاومت در برابر شهوت‌ها است.

از عایشه روایت شده که روزی رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وارد خانه شد. از اسماء در حالی که جامه‌های نازک و بدن نما پوشیده بود رو برگرداندند و گفتند: ای اسماء همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر این و آنکه حضرت اشاره به مچ دست به پایین و صورتشان نمود. امام صادق علیه‌السلام نیز در این باره فرمودند: زینت‌هایی که جایز است زن در مقابل نامحرم ظاهر کند صورت و کف دو دست است.

رابطه‌ی عفت با حیا و نسبت آن دو با حجاب

عفاف و حیا یک حالت درونی است. بنابر تعریف علمای اخلاق در اسلام حیا حالتی نفسانی و درونی است که انسان را از ارتکاب عمل ناپسند باز می‌دارد و عفت حالتی درونی و نفسانی است که انسان را از ارتکاب عمل جنسی ناپسند باز می‌دارد. عفت و عفاف مورد توجه در اسلام به هیچ وجه جنسیتی مطرح نشده و فقط هم در قالب پوشش مطرح نیست. عفاف راهبرد زندگی یک انسان مسلمان است چه مرد باشد و چه زن و خداوند عفاف و حیا را برای زن جزو خصلت وجودی او قرار داده است، از این رو همه زنان مسلمانی که دارای فطرت پاک هستند دارای این خصلت می‌باشند و همین معنا ضرورت آموزش آن را به خوبی بیان می‌کند.

بی‌تردید حیا و عفاف دو حالت روحی است که بخشی از رفتار بیرونی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با استمرار رفتار مناسب، به ثبات و استواری بیشتر می‌انجامد. راغب اصفهانی می‌گوید: «حیا عبارت است از خودداری نفس از انجام هر کاری که آن را زشت می‌داند». و با توجه به معانی ذکر شده حجاب یک امر ظاهری و بیرونی است؛ یعنی در حقیقت پوشش ظاهری افراد، به ویژه زنان را حجاب می‌گویند.

مسأله اصلی و بنیادین عفت است. عفت، فراتر و برتر از حجاب است. حجاب می‌تواند ریایی، تحصیلی، ظاهری و یا غیره اختیاری باشد؛ ولی عفت، یک خصلت و ارزش اختیاری است. ممکن است کسی حجاب مناسب داشته باشد، ولی عفت در نگاه، سخن گفتن و یا امور جنسی نداشته باشد که این خود نمونه حجاب بدون عفت است.

بدیهی است با این تعاریف عفت شاخه‌ای از حیاست و حیا اعم از عفت است که انسان را از گناه و حرام باز می‌دارد و آثار آن در گفتار و کردار انسان نمود پیدا می‌کند و حجاب در حقیقت همان نمود عفاف در نوع پوشش است. عفاف، روح پوشش است و کالبد پوشش آن، فلسفه حجاب است و حجاب، تضمین‌کننده عفاف و حیا می‌باشد.

بنابراین حجاب با معنای پوشش بیرونی و عفاف با معنای پوشش درونی دو عاملی هستند که موجب سلامت جامعه می‌شوند و در صورت نبود آنها مشکلات و اثرات مخرب زیادی در جامعه به وجود خواهد آمد. بنابراین برای سالم‌سازی جامعه به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد و حفاظت و مراقبت از عفت عمومی بر عهده زنان و مردان است. آنچه تاکنون از حجاب و حیا و عفاف گفتیم حکایت از آن داشت که حجاب عاملی است برای دور کردن آسیب‌ها از ساحت زن در حالی که همین عامل دفع و رد، در جایی دیگر به نوبه خود عامل جذب و زمینه جذابیت نیز است. تقریباً همه بر این نکته تأکید دارند که حیا و عفت قدر و قیمت زن را بالا می‌برد. تمام مردان اعم از خواستگار، شوهر، محارم و نامحرمان، به زن با حیا، احترام قائلند و زن بی‌حیا و بی‌آزرم را حقیر می‌شمارند.

ویلیام جیمز (روانشناس معروف آمریکایی) می‌گوید:

«زنان دریافتند که دست و دلبازی (بی‌حیایی) مایه طعن و تحقیر است و این را به دختران خود یاد دادند».

استاد مطهری نیز بر این باور است که عفت و حجاب برای زن هم وسیله تصاحب دل مرد است و هم حایل و مانع در برابر گرفتاران به جنون جنسی و انگیزه تجاوز، در واقع زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عفیف‌تر حرکت کند به احترامش افزوده است. قرآن پس از آنکه توصیه می‌کند زنان خود را بپوشانند می‌فرماید «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» یعنی این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند و معلوم شود خود را در اختیار مردان قرار نمی‌دهند بهتر است.

جایگاه حجاب و عفاف در جوامع امروزی

در تمامی جوامع بشری از عهد باستان تا آغاز عصر مدرنیسم حتی در جوامع غیردینی، انسان همواره حجاب و پوشش کاملی داشته است. عفاف و حجاب دو ارزش اخلاقی در جامعه بشری به ویژه جوامع اسلامی است که

همواره در کنار هم و گاه به جای هم به کار رفته‌اند. حیا و عفاف که عامل پوشیدگی و حجاب است ریشه در فطرت انسان دارد و انسان از بدو خلقت به دلیل حیا و شرمینگی که خداوند در وجودش قرار داده، همیشه سعی در پوشاندن خود داشته است و همواره دین اسلام حجاب را از ضروریات دانسته است. اما امروزه در جهان عفاف به عنوان یک ارزش شناخته نمی‌شود، حتی در کشورهای اسلامی زنان عقیف و پاکدامن منزوی هستند و اصولاً شرایط این گونه جوامع به گونه‌ای است که زنان پاکدامن نتوانند حضور اجتماعی فعال داشته باشند و گاهی رسماً اعلام می‌کنند که حضور دختران محجبه در مدارس و دانشگاه‌ها ممنوع است که در عصر کنونی برخی دگراندیشان غربگرا نام دوران حاضر را عصر برهنگی و آزادی جنسی گذاشته‌اند. آنان بی‌بندوباری را جزئی از آزادی انسان می‌دانند. حجاب و عفاف از جمله مفاهیمی هستند که امروزه در مجامع مختلف ما اعم از مجامع علمی و دانشگاهی، فرهنگی، مذهبی و برخی دستگاه‌های اجرایی بررسی می‌شوند. هریک از این مجامع، راهکارها و روش‌های مختلفی را برای گسترش حجاب و عفاف در جامعه پیشنهاد داده‌اند، اما همچنان در بین برخی اقشار جامعه نهادینه نشده و ابهاماتی در این باره در اذهان برخی افراد که از جمله‌ی آنها جوانان و نوجوانان هستند به چشم می‌خورد. ثبات و استمرار یک رفتار در جامعه نیازمند شناخت روش‌هایی است که از یک طرف با نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها در تضاد و تعارض نباشد و از سوی دیگر با اعمال آنها بتوان سلامت فرد و جامعه را تضمین کرد.

در واقع حجاب پشتوانه زندگی اجتماعی است، گرچه به ظاهر اختصاص به زنان دارد، لکن بر مردان نیز رعایت حجاب در حدی لازم است (يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ) و تفاوت حجاب زنان با حجاب مردان، از حیث حدود و محدوده حجاب است نه در اصل آن (يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُجُورَهُنَّ).

حجابی که اسلام برای زنان تعیین فرموده به معنای در خانه ماندن و نداشتن فعالیت اجتماعی نیست، بلکه زنان با رعایت کامل حجاب می‌توانند در اجتماع و هرجا که ضرورت داشته باشد، حضور داشته باشند.

مسأله حجاب در دو سوره از سوره‌های قرآن مطرح شده است. ابتدا این نکته به اجمال در آیه ۳۱ سوره احزاب مطرح شده است و آنگاه با تفصیل بیشتری در سوره نور آمده است.

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند

و زینت خود را- جزا آن مقدار که نمایان است- آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان یا پدران‌شان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیش‌شان، با بردگان‌شان [=از کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند با کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود و (صدای خلخال که برپا دارند، به گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

و الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ: و زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، به شرط اینکه در برابر مردم خودآرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و داناست.

آثار و جلوه‌های تربیتی عفاف و حجاب

آثاری که از حجاب به جا می‌ماند ابتدا در روح و روان فرد پدیدار می‌شود. زیرا وقتی فردی با آزادی و آزادی برای خود پوششی انتخاب می‌کند، حتماً در خود احساس آرامش و سربلندی می‌کند. این همان حفظ ارزش‌های یک فرد مسلمان است. در جامعه‌ای که افراد در آن با حفظ حدود و رعایت حقوق دیگران ظاهر می‌شوند و سبب تخریب روح و جسم هم‌نوعان خود نشده محیط امن و آرامی را برای جوانان فراهم می‌کنند، به سوی سعادت و سلامت روانی پیش خواهند رفت و هدف اسلام نیز این است که مردان و زنان مسلمان، روح آرام، اعصاب سالم و چشم و گوش پاکی داشته باشند. اکنون آثار و جلوه‌های تربیتی حجاب را در دو سطح فرد و اجتماع بررسی می‌کنیم.

آثار فردی عفاف و حجاب از منظر اسلام و روان‌شناسی

شخصیت زن

شخصیت، مجموعه افکار و عواطف و عادات و اخلاقیات یک انسان است و خلاصه هرچه به یک شخص مربوط می‌شود، بیرون از وجود او نیست و شخصیت اوست. تنها راه بالا بردن شخصیت زن را حجاب او می‌دانیم. اگر او به حجاب روی آورد، پایگاه خانوادگی او قوی می‌شود. مردها ناچار می‌شوند به زندگی خانوادگی خود ارج نهند و به همسران خود واقعاً توجه کنند. علو شخصیت در این است که کمال همسری، مادری و کمال اجتماعی را برای

خود احراز کند. بی‌حجاب در بعد همسری و مادری، شکست خورده و در بعد فعالیت‌های اجتماعی، ابزار و بازیچه و ملعبه شده و خواه ناخواه سقوط کرده است. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عفیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می‌شود.

به طور کلی، اشیایی که در همه جا یافت می‌شوند و دسترسی به آنها به آسانی صورت می‌گیرد، ارزش کمتری دارند. از سویی، بشر همواره اشیای ذی‌قیمت خود را از دسترس دیگران دور نگه می‌دارد و به شیوه‌ای خاص از آن مراقبت می‌نماید. اسلام که زن را گوهر گرانبهای هستی و صاحب شخصیت کامل انسانی می‌داند، حجاب را همچون صدف بهترین وسیله برای حفظ و ثبات آن شخصیت معرفی کرده است. آنان که زنان را تشویق به آرایش و تزیین و نمایش زیبایی‌های جسمی خود می‌نمایند. در حقیقت زن را فاقد شخصیت و روح انسانی می‌شمارند که باید با تزیین و نمایش زیبایی‌های جسمی منزلت اجتماعی مناسب خویش را به دست آورد. تجربه نیز این مطلب را ثابت کرده است.

قبل از ظهور اسلام، نه تنها زنان ارزشی نداشتند، بلکه داشتن یک دختر ننگ به حساب می‌آمد:

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ. در چنین جامعه‌ای بی‌حجابی که علامت آن بی‌ارزشی بود، رواج داشت. اسلام مقام زن را بالا برد و شخصیت او را مورد تکریم قرار داد و تا آوردن قانون حجاب حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد. دکتر گوستاو لوبون، مورخ معروف فرانسوی می‌گوید: «این مطلب نیز روشن شد که اسلام در بهبودی وضع زنان بسیار کوشیده است و نخستین مذهبی است که مقام زن را بالا برده است و روی هم‌رفته زنان مشرق زمین از نظر مقام و احترام و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت بهتر از زنان اروپایی هستند. اسلام نه تنها زن را یک انسان کامل می‌داند، بلکه احترام به او را ملاک کرامت انسان معرفی می‌کند. ما أكرم النساء إلا الكريمة و ما أهانهن إلا اللئيم: هرگز زنان را گرامی نمی‌دارند، مگر کریمان با کرامت و به آنان اهانت نمی‌کنند، مگر لئیمان بی‌ارزش. بر این اساس، حجاب وسیله‌ای است در خدمت زن تا موفقیت خویش را در جامعه تحکیم کرده، شخصیت و احترام خویش را فرونی بخشد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و همه زنان مسلمان بگوی که روسری‌ها را به خویش نزدیک سازند تا [به عفاف] شناخته شوند و مورد آزار اوباشان قرار نگیرند. خداوند آمرزنده و مهربان است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا: (الأحزاب/ جسدان).

سلامت جسمانی

حجاب، زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی است، از بین می‌برد و از این طریق نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می‌نماید. به آمار ذیل توجه نمایید. اگرچه از زمان انتشار آن مدت‌ها گذشته است، ولی به خوبی گویای یکی از عوارض فساد می‌باشد. طبق تحقیقاتی که در ایالات متحده به عمل آمده روی هم‌رفته نود درصد مردم این کشور به بیماری‌های مقاربتی مبتلا می‌شوند. از این رقم عده‌ای که در بیمارستان‌های رسمی آمریکا معالجه می‌شوند بالغ بر ۳۶۰ هزار نفر می‌باشند. از تمام بیمارستان‌های ایالات متحده ۶۵۰ بیمارستان تنها به امراض مقاربتی اختصاص داده شده است. در حالی که معادل یک و نیم برابر افرادی که در این بیمارستان‌ها معالجه می‌شوند به پزشک‌های خانوادگی و خصوصی مراجعه می‌نمایند.

دکتر امبروس لینگ که از مقامات صلاحیت‌دار درباره بیماری‌های آمیزشی است اعلام کرد که از سال ۱۹۵۷ به بعد، بیماری‌های آمیزشی در بین جوانان کم سال افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. در میان پسران ۱۵ تا ۱۹ سال ۶۷/۳ و مقدار افزایش در میان دختران که همین سن را دارند ۶۵/۴ درصد شده است.

بنابراین یکی از آثار مهم رعایت حجاب در جامعه حفظ سلامتی و دوری از بیماری‌های مختلف است. در کشورهایی که حجاب و پوشیدگی زنان در آنجا بیشتر است، تعداد بیماران ناشی از گسیختگی جنسی، کمتر است. امام رضا (ع) فرموده‌اند «هرگاه بندگان گناهان جدیدی به وجود آورند که تاکنون مرتکب آن نمی‌شدند، خداوند هم بلاهای تازه‌ای به وجود می‌آورد که تاکنون نمی‌شناختند».

استحکام خانواده

شک نیست هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و برعکس هر چیزی که باعث سستی رابطه زوجین و دلسردی آنان گردد، زیان‌آور است و باید با آن مبارزه کرد. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع از نظر اجتماع خانوادگی این است که از لحاظ روانی همسر قانونی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود. در حالی که از نظر سیستم آزادی و کامیابی غیرمشروع، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود.

از آثار اولیه رعایت حجاب در جوامع استحکام نهاد خانواده به عنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. با رعایت اصل حجاب و پوشش در محیط بیرون از خانواده حریم زن و شوهر حفظ می‌شود و خانواده صاحب ثبات خواهد شد.

خداوند در سوره نور می‌فرماید: **وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...** و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را از (نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند تا گردن و (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) (النور، ۳۱).

بنابراین زنان با حجاب خود موجب تحکیم خانواده شخصی و دیگران می‌شوند؛ چرا که با حجاب خود اطمینان و اعتماد شوهرتان را به پاکی خویش جلب می‌کنند و باعث تحکیم خانواده می‌گردند، اما نقش آنان در تحکیم خانواده‌های دیگر، بدین لحاظ است که مردان از تمتعات خارج از محدوده زناشویی محروم می‌شوند و طبعاً به همسران خود بیشتر توجه می‌کنند.

آرامش و امنیت

زن موجودی گرمی و معزز و نقش او سرنوشت‌سازی و تربیت بشر است. ارزش او فراتر از آن است که در معرض دستخوش ارتباطات و روابط بی‌مرز باشد. حفظ حریم زن باعث مصونیت او می‌شود و اولین اثر را بر آرامش روحی او دارد؛ زیرا در سایه محفوظ ماندن این حریم بین خود و نامحرم احساس امنیت می‌کند و هیچ‌کس جرأت تعرض به او را نمی‌کند. انسان در پناه محافظ احساس امنیت و آرامش بیشتری می‌کند و در صورت پیشامدهای احتمالی از مصونیت او برخوردار است. پوشش دینی نیز نگهبان زن از نگاه‌های آلوده و آسیب‌های احتمالی است که به زن مصونیت و آرامش می‌دهد و هرچه این پوشش کامل‌تر شود، درصد امنیت و حفاظت آن بالاتر می‌رود. امیرمؤمنان علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «پوشیده و محفوظ داشتن زن مایه آسایش بیشتر و دوام زیبایی اوست».

آثار اجتماعی عفاف و حجاب از منظر اسلام و روان‌شناسی

مسئولیت‌های اجتماعی

هر فردی در برابر جامعه خود مسئول است، این مسئولیت عام است. یعنی هم شامل زن‌ها می‌شود و هم شامل مردها پاره‌ای از مسئولیت‌های زنان به حجاب آنان بستگی دارد. زن اگر حجاب داشته باشد بار این‌گونه مسئولیت‌ها

را بر دوش می‌گیرد و شخصیت و عظمت او بالا می‌رود، اما اگر جامه مقدس حجاب را از تن بدرد از عهده انجام این‌گونه مسئولیت‌ها بر نمی‌آید». افراد در شبکه‌های متفاوت جامعه نقش ایفا می‌کنند شبکه‌هایی نظیر شبکه مساجد، هیئت‌های مذهبی و مدارس اسلامی که به نوعی مسیر حرکت آنان برای حفظ هنجارهایی مانند حجاب می‌باشد. در جامعه امروزی، اگر فرد در این شبکه‌ها مسئولیت اجتماعی نپذیرد، هنجارهایی که مربوط به آنها خواهد بود از بین می‌رود و فرد به نوعی تنبلی و گاهی انحراف از هنجارهای متعارف جامعه دچار می‌شود و این انحراف در مسئولیتهای دیگر جامعه نمایان می‌شود و فرد را از هدف متعالی خود دور می‌کند.

آزادی زن

اینکه زنان باید حجاب را رعایت کنند زور و دستوری از ناحیه مردان نیست تا آزادی آنان را سلب کنند، بلکه وظیفه شرعی آنان است که حجاب را رعایت کنند. زنان با حجاب در فعالیت و رفت و آمدهای خود آزادترند. زیرا مردان بوالهوس اطمینان دارند که اینها طعمه و ملعبه نمی‌شوند. بنابراین کمتر بر آنها ایجاد مزاحمت می‌کنند. زن با حجاب مظهر عفاف شناخته شده است و از این روی در خانه و خارج از آن مزاحم ندارد و آزادانه دنبال کارها و مسئولیت‌های خویش است. قرآن کریم در دو مورد به این مطلب اشاره فرموده است. یکی اینکه می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا**: ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان یگو جلاباب‌ها [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند خداوند همواره آمرزنده رحیم است (الأحزاب، ۵۹).

بنابراین بی‌حجابی و بدحجابی برای زن‌ها ایجاد مزاحمت می‌کند، اما هنگامی که اهل حجاب باشند مزاحمتی بر آنان نیست. در آیه دیگر خداوند می‌فرماید:

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا: و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین در میان مردم ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و خدا و رسول او را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد (الأحزاب، ۳۳).

سلامت اخلاق جامعه

همواره باید هرچه به سلامت اخلاق جامعه لطمه می‌زند، ریشه‌کن شود و هرچه سلامت اخلاق جامعه را تضمین می‌کند، تقویت گردد. هرچه گرایش جامعه به حجاب شدت باید از مفسد اخلاقی و اجتماعی کاسته می‌شود. سلامت اخلاق جامعه از اهداف عالی اسلام است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بعثت لأتمم مکارم الأخلاق» من برای تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث شدم». حجاب زن به نص قرآن کریم عفاف اوست و عفاف او خدمتی است به سلامت جامعه. زن با پوشش شرعی خود خانواده را استوار و پابرجا می‌سازد و بیهوده افراد را تحریک نمی‌کند و هوس‌ها را بر نمی‌انگیزد و مردها را به مفسده نمی‌کشانند. زن با پذیرش حجاب اسلامی بزرگترین و ارزنده‌ترین خدمات را به خانواده‌ها و جوانها و بالاخره جامعه می‌کند. زیرا اخلاق پاکی و فضیلت را رونق و رواج می‌بخشد. زنانی که جسم خود را پر بهاتر از آن می‌دانند که اجازه دهند هر چشمی از آن تمتع گیرد، هر هوسی بدان گرایش یابد، بر مسند والای فضیلت نشسته‌اند. کار این‌گونه زنان، پیامبرگونه است؛ زیرا بعثت پیامبران به منظور تکمیل و تتمیم اخلاق است. اسلام از بی‌حجابی و بدحجابی بیزار و متنفر است. زیرا اینها هستند که با متزلزل کردن اخلاق و فضیلت، اسلام را در بین مردم ضعیف و لگدمال می‌کنند. زنان با حجاب خدمتگذار واقعی دین و اخلاق و زنان بی‌حجاب و بدحجاب عامل براندازی و بنیان‌کنی دین و اخلاق هستند.

بنابراین، شرط اساسی سلامت اخلاقی جامعه پرهیز از سقوط در پرتگاه شهوت است. امام رضا (ع) وجود روابط آزاد بین زن و مرد را علت بسیاری از جنایات و مفسد اخلاقی معرفی می‌فرماید.



حفظ نیروی کار اقتصادی

حجاب عامل حفظ نیروی کار است و باعث می‌شود که اوقات هر کس در همان مسیر کار صرف شود و وسوسه‌های ناشی از دیدن‌ها چهره سازی‌ها و طراحی برای به دام انداختن‌ها از بین برود. کشاندن تمتعات غریزی از محیط خانه به محیط کار، سبب خواهد شد که نیروی کار ضعیف گردد و سرمایه‌گذاری‌ها به هدر رود.

بانوان اگر زن در محیط کار پوشیده و باحجاب باشد، نظرها را کمتر به خود جلب می‌کند و حواس و فکر مردان نامحرم نیز هنگام فعالیت، بیشتر متوجه وظیفه شان خواهد بود. در نتیجه، پاک دامنی و حجاب زنان، سبب تولید بیشتر و بالا رفتن کیفیت در کارها می‌شود. هیچ کس باغبانی را که دور باغ خود حصار و پرچین کشیده است، سرزنش نمی‌کنند. هیچ کس به نام آزادی، دیوار خانه خود را بر نمی‌دارد و هیچ صاحب گنج و گوهری، جواهرات خود را بی حفاظ نمی‌گذارد. در واقع، هر چیزی که قیمتی تر است، درصد مراقبت از آن نیز بالاتر می‌رود. وقتی در خانه را می‌بندی یا پشت پنجره اتاقت پرده می‌آویزی، خانه خود را از ورود بیگانه و نگاه‌های مزاحم در پناه قرارداده‌ای، نه اینکه خود را در قید و بند و حصار افکنده باشی! سادگی و خامی است که کسی خود را در معرض دید و تماشای نگاه‌های مسموم قرار دهد و از زهرنگاه‌های ناروا در امان باشد. خراب کردن دیوارها و برداشتن

پرده ها، نشانه تیره اندیشی است، نه روشن فکری. باید مراقب بود که این کاسه چینی نشکند و این جام بلورین، ترک بر ندارد. وقتی شاخه شکست و گل چیده شد، گریه و پشیمانی بی حاصل است. از سویی، نقش اقتصادی حجاب در رعایت پوشش اسلامی زمینه را برای انواع مدپرستی‌ها و رقابت‌های ناشی از آن از بین می‌برد.

اگر زن خود را به خودآرایی‌ها در جامعه مقید نکند و با لباس ساده و مرتب و در حد پوشش لازم در جامعه ظاهر شوند. بسیاری از افت‌ها و گرفتاری‌های ناشی از مدپرستی خود به خود از بین می‌روند. هزینه سنگین مواد آرایشی و لباس‌های گران قیمت به ویژه با تغییر مداوم مدها، بار مالی طاقت‌فرسایی بر دوش خانواده و جامعه تحمیل می‌کند و به علاوه باعث هدر رفتن سرمایه‌های جامعه می‌شود. بنابراین اسلام با التفات ویژه به مسأله حجاب و پوشش زنان در محیط کار می‌خواهد محیط اجتماع از لذت‌های ناهنجار جنسی پاک شود و راه را برای حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار بگشاید. در مقابل، بی‌حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لذت‌های حسی از محیط کار و کانون خانواده به اجتماع و در نتیجه تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد.



حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی

جوامع اسلامی با پوشش خاص خود در قالب حجاب یا ستر سعی دارند که استقلال فکری خود را در قبول اسلام اعلام کنند. در واقع، لباس پرچم بدن به حساب می‌آید که استقلال فکری، دینی، سیاسی و فرهنگی هم محسوب می‌شود و از همین جا می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تغییر لباس نشانگر تغییر اندیشه است و به تبع آن تغییر

در مشی و رفتار افراد ایجاد می‌شود که در آن صورت استقلال کشور زیر سؤال می‌رود، به ویژه از آن روی که وضع برون حکایت از وضع درون آدمی دارد و نشان می‌دهد که وابستگی در درون رخته کرده در ظاهر افراد نیز متجلی شده است. اندیشه مبارزه برای استقلال فرهنگی پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر جنگ فرهنگی همیشه وجود داشته است. به عنوان نمونه فرعون در برابر موسی (ع) به این حربه متوسل شده گفت می‌ترسم آیین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین فساد برپا نماید» (غافر، ۲۶).

بنابراین یکی از راه‌های حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی، حفظ حجاب است و یکی از جنبه‌های تهاجم فرهنگی مبارزه با حجاب بوده است. چرا که حجاب برای جوامع جهان سومی می‌تواند نوعی مبارزه با استعمار به حساب آید و مانعی بر سر راه مقاصد شوم آنها باشد. زنان الجزیرای در مبارزات خود با قوای مهاجم فرانسه این مسأله را به خوبی نشان دادند و ضربه خود را به آنان وارد کردند. در واقع آنان نشان دادند که مسلمانان و غلبه کفر بر اسلام را نمی‌پذیرند. اگر حجاب را در جامعه اسلامی لااقل از همین دید بنگریم به این نتیجه خواهیم رسید که در تعمیم آن از دید سیاسی باید کوشید. در جامعه اسلامی حتی یک ملی‌گرا هم باید به سبب استقلال وطن خود و حفظ امنیت خویش حجاب را بپذیرد که البته یک مسلمان به سبب ایمان و اعتقاد خود آن را پذیرفته است. اگر استعمار بتواند عفت و پوشش را از زن بگیرد همه چیز جامعه، از جمله مردان آن را می‌تواند تحت اختیار و سلطه قرار دهد. یکی از رموز موفقیت اسلامی ایران نیز در همین بود که زنان به سرعت خود یافتند و با توسل به حربه حجاب در مقابل رژیم خود آنهایی که قصد دارند زنان را ملعبه مردان و ملعبه جوانان فاسد قرار بدهند، جنایت کار هستند. زن‌ها نباید فریب بخورند، زن‌ها گمان نکنند مقام زن این است که بزک کرده بیرون برود. این مقام زن نیست. بی‌حجابی، نمود پیروی از فرهنگ غیر خودی امروزه دشمنان اسلام از راه‌های مختلف می‌کوشند تا زشتی محرمات و گناهان و منزلت حیا و عفت و حجاب را ضعیف جلوه دهند. از این رو، چنین القا می‌کنند که ارزش، شخصیت و تمدن، تنها در پیروی از فرهنگ آنان است. در حالی که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خداوند سبحان به یکی از پیامبران وحی کرد که به مؤمنان بگو: در لباس و آداب و رسوم، دشمنان خدا را سرمشق خود قرار ندهید. اگر چنین کنید، شما هم مانند آنها جزو دشمنان خداوند به شمار می‌آیید.

باید دانست تنها چیزی که سبب نابودی فرهنگ مصرفی غرب و عامل رکود و بی‌رونقی بازارهای رنگین آنهاست، پیروی ملت‌ها از حجاب به ویژه حجاب برتر است. کسانی که هویت دینی و ملی آنان استحکام لازم را ندارد، همواره از فرهنگ غیرخودی الگو می‌گیرند و هر آنچه دستاورد بیگانگان به ویژه غربی‌ها باشد، در نظر آنان زیبا و ارزشمند جلوه می‌کند. از این رو، در پوشش و نیز فرهنگ روابط زن و مرد و رفتار اجتماعی، از آخرین پیش‌نهادی غرب به سرعت پیروی می‌کنند، در حالی که حفظ حجاب در رعایت حریم میان زن و مرد، از دستورهایی

مهم دین اسلام است. پس هر اندازه انگیزه های الهی در این افراد قوی تر باشد، پای بندی به حجاب و عفاف در آنان افزایش می یابد. سستی در باورها و وظایف اسلامی، برخی را از مسئولیت دینی شان دور می سازد و دیگر مراقبتی در امر حجاب به عمل نمی آورند.

حضرت علی علیه السلام در سخنی می فرماید:

«پیوسته امت مسلمان به راه خیر قدم می نهند، تا زمانی که از فرهنگ و آداب و رسوم از کافران تقلید نکنند و اگر چنین کنند، خداوند قادر آنها را خوار می سازد».

امام راحل رحمه الله درباره بدحجابی چنین فرمود:

آنهايي که قصد دارند زنان را ملعبه مردان و ملعبه جوانان فاسد قرار بدهند، جنایت کار هستند. زن ها نباید فریب بخورند، زن ها گمان نکنند مقام زن این است که بزک کرده بیرون برود. این مقام زن نیست. ناگفته پیداست که غرب با استفاده از همه ابزارهای انتقال فرهنگ، می کوشد تاکشورهای اسلامی به ویژه جمهوری اسلامی را تحت پوشش فرهنگ خویش قرار دهد و ملت آنان را استحاله فرهنگی کند که البته در رأس این تلاش ها، حذف حجاب و آزادی روابط زن و مرد قرار دارد. از این رو، رهبر فرزانه انقلاب، در هشداري بیان فرمود:

آیا جنایتی از این بزرگ تر نسبت به زن هست که زن را با آرایش، مد و جلوه گری زیورآلات سرگرم کنند و از او به عنوان یک ابزار و وسیله استفاده کنند؟ امروز سر و سینه را از زیورآلات پرکردن و آرایش و مد و لباس را بُت خود قرار دادن، برای زن انقلابی مسلمان ایران ننگ است. آن زنی که در پی این گونه چیزهاست، از ارزش پایین برخوردار است؛ طلا برای زن ارزش آفرین نیست، بی اعتنایی به طلا ارزش آفرین است. مد برای زن، ارزش آفرین نیست؛ بی اعتنایی نسبت به مدهای دام گونه ساخته و پرداخته دشمنان، برای زن ارزش است. نمونه ای عینی از اعتراف غریبان در مبارزه با فرهنگ حجاب، در خاطرات مستر همفر مشهود است، او می گوید:

باید زنان مسلمان را فریب داد و از زیر چادر بیرون کشید؛ با این بیان که حجاب، یک عادت است از خلفای بنی عباس و یک برنامه اسلامی نیست... پس از آنکه زنان را از چادر بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنان بیفتند تا در میان مسلمانان فساد رواج یابد و برای پیشبرد این نقشه، لازم است اول زنان غیرمسلمان را از حجاب بیرون آوریم تا زنان مسلمان از آنان یاد بگیرند. حجاب، حریمی میان زن و مرد نامحرم است و سبب فروکش کردن غریزه جنسی و محبوبیت بیشتر زن می شود. حجاب، لذت ها و بهره های جنسی را به محیط خانواده محدود می کند و به دنبال آن، ازدواج های مشروع شکل می گیرد. در مقابل، بدحجابی و بی حجابی و

آزادی بی قید و شرط سبب فروپاشی کانون خانواده می شود. در واقع، این گونه بی مبالاتی ها، عامل اساسی گریز جوانان از ازدواج و شانه خالی کردن آنان از زیر بار مسئولیت زندگی نیز خواهد شد؛ زیرا زمینه را برای رسیدن به هوس های آنان آماده می سازد. حجاب از این نظر که میان زنان و مردان فاصله معقول و مشروع می افکند، به زن جلوه ای زیبا و تحسین برانگیز می بخشد.

هیچکاک، فیلم ساز مشهور می گوید:

من معتقدم که زن نیز باید مثل فیلمی پرهیجان باشد؛ یعنی کمتر ماهیت خود را در معرض نمایش قرار دهند بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت بدهد. زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و روی بندی که به کار می بردند، خود به خود جذاب می نمودند و همین مسئله، جاذبه نیرومندی بدان ها می داد، اولی آبه تدریج، با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خودشان نشان می دهند، حجاب و پوششی که تا دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود، از میان می رود و همراه آن، از جاذبه جنسی او هم کاسته می شود.

ناگفته نماند که در فرهنگ دینی اسلام، انسان لباس به تن نمی کند که تن را عرضه کند، بلکه لباس می پوشد تا خود را بپوشاند، لباس برای او یک حریم و به منزله دیوار دژی است که کرامت او را حفظ کند. نیز لباس برای آن است که تحریک جنسی را کم کند، نه آنکه بر قدرت تحریک بیفزاید. امنیت روحی و سلامت اخلاقی اجتماع ثمره حجاب بسیاری از مردم، رعایت حریم میان زنان و مردان را تنها یک وظیفه ضروری دینی می دانند، حال آنکه از آثار بسیار عمیق آن در سلامت اخلاقی و ایجاد امنیت روحی و روانی به ویژه برای زنان و استحکام پیوندهای خانوادگی آگاهی چندانی ندارند. در آموزه های دینی اسلام سفارش شده است که زنان و مردان نامحرم، به حداقل ارتباط و گفت و گو بسنده کنند؛ از خنده، شوخی و روابط صمیمانه با یکدیگر بپرهیزند؛ وقار و سنگینی خود را حفظ کنند؛ دیده های خود را فرو گیرند؛ در مکان خلوت با یکدیگر نباشند؛ زنان زینت های خود را در برابر مردان نامحرم آشکار ن سازند و مردان نیز لباس هایی را که سبب تهییج و تحریک است، به تن نکنند. رهبر معظم انقلاب در رهنمودی ارزشمند می فرماید:

فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است و اسلام با هدف تأمین خوشبختی و پیشرفت زندگی زن و مرد، بر روی این مسئله سخت گیری کرده است و این، نقطه مقابل خواست قدرت مندان و زراندوزان شهوت ران جهان است که برای از میان برداشتن حجاب بین زن و مرد، تلاش می کنند.

ایشان در کلامی دیگر فرمود: «پای بندی بانوان به حجاب، آنان را در رسیدن به مدارج عالی معنوی کمک می کند و از سقوط به پرت گاه هایی که در سر راه آنان قرار دارد، مانع می شود.

پوشیده بودن زن، در همان حدودی که اسلام تعیین کرده است، سبب کرامت و احترام بیشتر اوست؛ زیرا او را از تعرض افراد سست اعتقاد، در امان می‌دارد. تَبَرُّج و بی‌حجابی، عامل انحرافات اجتماعی است. شرافت زن اقتضا می‌کند هنگامی که از خانه بیرون می‌رود، در محیط اجتماع و عمومی متین و باوقار باشد؛ رفتار و پوشش وی به تحریک و تهییج نامحرمان بیانجامد و با کردار و رفتارش، مرد را به سوی خود دعوت نکند. اسلام نمی‌خواهد زن به صورت ابزار مادی درآمد و کارش تنها مصرف کردن ثروت و فاسد کردن اخلاق اجتماع باشد، در عین حال که هیچ‌گاه با فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان نیز مخالف نیست. «اساساً تَبَرُّج و خودنمایی زن در اجتماع و معاشرت‌های آزاد، سبب انحراف جنسی می‌شود و عدم پوشش در زن، مایه تباهی و فساد می‌گردد، چنان که می‌بینیم در کشورهایی که حجاب وجود ندارد، فساد و آلودگی‌ها که از همین رهگذر سرچشمه گرفته است، بسیار وحشت‌بار و خانمان‌سوز است و به مراتب نسبت به کشورهایی که حریم میان زن و مرد را رعایت می‌کنند، زیادتر است». حفظ حریم میان زن و مرد و رعایت عفت عمومی در قالب پوشش کامل، جامعه را از پی آمدهای ناشی از بی‌بند و باری حفظ می‌کند. تکلیف به حجاب نیز همچون دیگر احکام و قواعد حقوقی دین، به منظور تأمین سعادت همه جانبه بشر است؛ چون انسان موجودی اجتماعی است و مصالح او تا حد زیادی به هم سویی و هم‌گami با دیگران بستگی دارد. بی‌شک، پای‌بند نبودن به تکلیف مهم حجاب، جامعه را دچار انواع مشکلات روانی و مشغولیت‌های فکری ناصواب می‌کند و در نتیجه، به عقب ماندگی فرهنگی جامعه دامن می‌زند. پوشش مناسب، نماد دین‌داری حجاب و پوشش برای یک زن مسلمان، افزون بر تأمین مصالح فردی و اجتماعی، مظهر حیات و بقای یک نظام اعتقادی حیات بخش در جامعه انسانی است. رعایت این الگوی عملی با همه ملازمات اعتقادی پنهان در آن، افزون بر آنکه عاملی در جهت تثبیت فرهنگ دینی است، زبان‌گویایی برای تبلیغ و معرفی دین خواهد بود. لباس زن در خارج از خانه، باید مطابق شأن و مقام او باشد. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُجَمَّرَ تَوْبَهَا إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا.

برای زن هنگامی که از خانه اش خارج می‌شود، سزاوار نیست که لباسش را خوش بو کند.

بی‌حجابی و حق الناس

بهره‌مندی از فضایل اخلاقی، یکی از حقوق آحاد جامعه می‌باشد. بدحجابی علاوه بر اینکه خود یک ناهنجار اجتماعی به شمار می‌آید و جامعه را به بی‌بندوباری می‌کشد، زمینه‌ساز بسیاری از زشتی‌های اخلاقی است. وقتی به پوشش و متانت بی‌اعتنایی می‌شود، مسائل اخلاقی دیگر نیز از جامعه رخت‌بر می‌بندد. بدلباسی،

بد اخلاقی را به دنبال دارد، چنان که مدپرستی، هواپرستی می آورد. جامعه ای که هر روز مد جدیدی را به شکلهای گوناگون بپذیرد، دچار بسیاری از بیماری های اخلاقی چون: غرور، تکبر، فخر فروشی، عصیان، قساوت قلب و... خواهد شد. امروزه انگیزه بسیاری از دختران و زنان بدحجابی، مخالفت با دین نیست و تنها نوعی بی توجهی و ناآگاهی نسبت به دستور دین، تاثیرپذیری از رسانه ها و ساده انگاری پیامدهای تلخ آن است؛ متأسفانه اخیراً عواملی سبب افزایش فوق العاده بدحجابی در جامعه شده است که اگر آگاهی و هشدارهای کافی و به موقع نسبت به این معضل اجتماعی و پیامدهای منفی آن به مردم داده نشود، قطعاً در آینده ای نزدیک با مشکلات بزرگ تری روبرو خواهیم شد. بدون شک در عصری که برخی افراد بی بندوباری زنان را جزئی از آزادی آنان و نشانه تمدن و تجدد می دانند و بعضی آن را عصر برهنگی و آزادی جنسی نامیده اند، سخن گفتن از بدحجابی و پیامدهای آن برای عده ای ناخوشایند و چه بسا مخالفت با تمدن، پیشرفت و آزادی تلقی شود. اما از آنجا که به تبع این آزادی های بی قید و شرط، بروز مشکلات اخلاقی روزافزون و مفسد بی شمار در جامعه قطعی خواهد بود و با توجه به اینکه فساد اخلاقی مهم ترین عامل انحطاط و نابودی فرهنگ یک جامعه به شمار می آید، این امر سبب شده تدریجاً مسئله حجاب به عنوان یک معضل اساسی فرهنگی و اجتماعی مطرح گردد.

مطالعه تاریخ ادوار گذشته مؤید این مسئله است که وقتی فساد و بی بندوباری رواج یابد و جامعه در وضعیت انفعال و بی تفاوتی قرار گیرد، در مقابل هجوم بیگانگان بسیار آسیب پذیر و دچار انحطاط و نابودی خواهد گشت.

بی حجابی و ارتباط آن با انواع حق

در راستای تهاجم فرهنگی، رواج بی حجابی و هرزگی در جامعه بهترین و ارزان ترین ابزار دشمن محسوب می شود. برای بررسی آثار این سوغات غربی باید توجه داشته باشیم که بدحجابی با تمامی اقسام حق رابطه تنگاتنگی دارد و موجب تضییع حق الله، حق النفس و حق الناس می شود که البته هر کدام مرتبه و درجه متفاوتی دارند. بدحجابی از بُعدی تضییع حق الله است و از بُعدی تضییع حق الناس و حق النفس. بنابراین، وقتی تأکید بر حق الله بودن آن می شود، به معنی نادیده گرفتن بُعد حق الناس و حق النفس بودن آن و یا فقط دیدن بُعد حق الله آن نیست. حجاب زن تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید: من از حق النفس خویش صرف نظر کردم. حجاب زن مربوط به مرد هم نیست تا مردان بگویند: ما خود راضی هستیم. حجاب زن مربوط به خانواده نیز نیست تا اعضای خانواده بدان رضایت دهند؛ حجاب زن، حقی الهی و قرآنی و از سوئی اجتماعی است.

در جهان غرب و کشورهایی که به قوانین غربی مبتلا هستند، اگر زن همسر داری خیانتی کرد و همسرش رضایت داد، قاضی آنها پرونده را مختومه اعلام می کند؛ اما در اسلام این چنین نیست! حرمت زن، نه اختصاص به خود

زن دارد، نه شوهر و نه خانواده اش. اگر همه اینها رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد بود؛ چون، حرمت و حیثیت زن به عنوان حق الله نیز مطرح است. تأکید بر اینکه عصمت زن، حق الله است، شاید این شبهه را ایجاد کند که: «بی حجابی مرتبط با حق الله است و خداوند متعال مهربان و بخشنده، از حق خود نسبت به بندگان در آن دنیا می گذرد». در جواب باید گفت: گاهی در لسان مبلغین دین و معارف اسلامی، برای اینکه بخواهند عظمت حق الناس را گوشزد کنند، آن را با حق الله می سنجند و چنین بیان می کنند که خداوند از حق خود می گذرد؛ ولی از حق الناس نمی گذرد. این مطلب اگرچه تا حدودی صحیح است؛ ولی باید دانست که:

اولاً حق الله بسیار عظیم تر و سنگین تر است. حتی برخی از حقوق الهی از حق الناس نیز مهم ترند و اگر کسی آنها را مراعات نکند، گناه بزرگی مرتکب شده است که قابل بخشش نیست. یکی از آنها «شُرک بالله» است. در قرآن کریم می خوانیم: (إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا) «خداوند (هرگز) شرک را نمی بخشد! و پائین تر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد، و آن کس که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است».

نماز یکی دیگر از حقوق الهی است که برای سبک شمرنده آن محرومیتی بزرگ ذکر شده است. رسول خدا(ص) می فرمایند: «أَيُّسَ مَنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ لَا يَرُدُّ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَاللَّهِ؛ از من نیست کسی که نمازش را سبک شمرد و به خدا قسم در قیامت از ملاقات من نزد حوض [کوثر] محروم خواهد بود».

ثانیاً ضمن تأکید بر اینکه عصمت زن، حق الله است، نباید از زوایای مختلف حق الناس بودن این مسئله غفلت کرد.

پیامدها و آسیبهای اجتماعی بدحجابی

اکنون عمده ترین پیامدها و آسیبهای اجتماعی بدحجابی در جامعه را با توجه به بُعد حق الناس بودن آن بررسی می کنیم؛ ولی قبل از آن، یادآوری سه نکته، مهم به نظر می رسد:

مراد ما از حق الناس بودن حجاب، تضییع حقوق افرادی است که در برابر شخص بی حجاب دچار گناه می شوند. نه آن دیدگاه غلطی که حجاب زن را حق همسر یا پدر و برادرش تلقی می کند و با رضایت و چشم پوشی آنها از این حق، زن را در انتخاب پوشش آزاد می داند؛ چراکه این نوع برداشت از حق الناس غلط است؛ زیرا همان گونه که اشاره شد، از آن زاویه حجاب، حق الهی است، نه حق الناس و حق النفس؛ درست است که حجابهای تحمیلی، تقلیدی، مصلحتی، تعقلی و تعبدی از نظر ارزش و اهمیت در یک درجه و اهمیت نیستند و در یک داوری کلی و

اجمالی می توان دو نوع حجاب «تعقلی» و «تعبدی» را بیش تر قابل دفاع و پذیرش دانست؛ ولی حجاب، حتی قسم تحمیلی آن، سبب دوری بسیاری از پیامدها و آسیبهای اجتماعی می شود؛ یک زن بدحجاب، علاوه بر ظلم به خودش، حقوق افراد مختلفی را ضایع می کند؛ چراکه متاعی را که باید گران بفروشد، ارزان در خیابان حراج می کند. اولاً جوان عفیف حق دارد در جامعه به آسانی عبور و مرور داشته باشد، نه اینکه با دیدن خانم بدحجاب خود را به سختی انداخته، سرش را پایین بیندازد.

ثانیاً حق ازدواج به موقع از جوان با دیدن خانم بدحجاب تضییع می شود و ازدواجش به تأخیر می افتد؛ چون نیازی که باید با ازدواج تأمین می شد، با هرزگی و چشم چرانی موقتاً سرکوب می شود.

ثالثاً وقتی نگاه مرد متأهل به خانم بد حجاب می افتد، ناخواسته دچار عوارضی همچون: سوءظن، ترس، مقایسه نابجا، سوء هاضمه شهوانی، هرزگی لذت جنسی و در نتیجه لذت نبردن از حلال به دلیل ریزه خوری های دیداری می شود و اغلب در خانه بهانه گیر شده، زندگی شیرین خویش را بر خود و همسرش تلخ می کند.

بدحجابی و تضییع حق الناس عمده ترین پیامدها و آسیبهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بدحجابی در جامعه، از منظر تضییع حق دیگران، عبارتند از:

تضعیف اعتقادات دینی و ارزشهای متعالی:

یکی از حقوقی که افراد جامعه دارند، حق داشتن اعتقادات و باورهای دینی است. جامعه ای که در سطح بالایی از باورهای دینی باشد، در سایه ایمان، در برابر بسیاری از آسیبها مصون می ماند و دشمنان نمی توانند در صفوف آن رخنه کنند. حجاب و پوشش جزء احکام مسلم دین و مذهب به شمار می رود و زنان معتقد به اسلام حاضر نمی شوند خود را با زینتهای زودگذر دنیایی مزین کنند و در پرتو آن عقاید دیگران را متزلزل نموده، زمینه ساز فساد در جامعه شوند. تظاهر به بدحجابی، نشانه پایبند نبودن و بی مبالاتی فرد به احکام و اعتقادات اسلامی است؛ زیرا با بدحجابی، چشمهای هوس آلود را متوجه خود ساخته، پایه های ایمانی مردم را سست می کنند و جامعه را به فساد می کشانند. هیچ راهی برای آمریکا و ابرقدرتها بهتر از این نیست که بدون جنگ و کشتار، و بدون اینکه پولی خرج کنند و حساسیتی ایجاد نمایند، ایمان را از دلهای مردم بدزدند و بزدایند. این کار به سادگی انجام می شود: با سخنرانیهای علمی، کتابهای فلسفی، فیلمها، نمایشنامه ها و چیزهایی از این قبیل، به نام پیشرفت علم، ترقی فرهنگ، فلسفه های نوین و... هیچ راهی بهتر و موفق تر از این وجود ندارد و می دانیم که باورها و ایمانهای راسخ نقش به سزایی در بالندگی زندگی جامعه ایفا می کنند و زمانی که ایمان به سستی گراید، نفوذ دشمن و به انحراف کشیدن آن جامعه به راحتی صورت می پذیرد.»

تخریب فرهنگ ملی:

یکی دیگر از حقوق افراد یک اجتماع، ضمن تعامل و تبادل فرهنگها، حق عدم دست درازی و مخدوش کردن فرهنگ ملی جامعه آنها است. تعامل یا همان تبادل فرهنگی برای هر جامعه ای نه تنها مفید و لازم؛ بلکه از عوامل بالندگی و پویایی آن جامعه محسوب می شود؛ اما مشروط بر آنکه عناصر فرهنگی مفید را جذب و غیر مفید را دفع کند و در ارائه الگوهای فرهنگی و اجتماعی از ثبات لازم برخوردار باشد. در غیر این صورت، فرهنگ مهاجم با ارائه الگوهای منفعت طلبانه آن را تخریب می کند؛ ارزشها و هنجارهای آن جامعه را خدشه دار و ارزشها و الگوهای مورد نظر خویش را جایگزین می کند تا از این رهگذر به اهداف خود دست یابد.

رهبر عظیم الشأن انقلاب (حفظه الله) در این راستا می فرمایند: «در تبادل فرهنگی، هدف، بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است؛ ولی در تهاجم فرهنگی، هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است». با عنایت به این مطلب، فرایند بدحجابی، راه را برای تهاجم فرهنگی هموار می سازد و افراد بی حجاب متحمل بسیاری از الگوهای نامناسب فرهنگ بیگانه می شوند و فرهنگ جامعه را به مرور دستخوش تغییر می کنند.

سلطه دشمنان و تأمین هدف و منافع آنها:

سلطه گران مستکبر همواره در تلاشند تا با ترویج بی بندوباری و ابتذال در میان جوامع، به خصوص ملل مسلمان، آنها را با فرهنگ و آداب و رسوم اصیل خویش بیگانه کنند و با تضعیف معنویت در میان افراد جامعه، زمینه تسلط همه جانبه خود را فراهم آورند و از آنجا که ترویج بدحجابی بهترین مقدمه برای تضعیف اراده و ایمان افراد جامعه است، در اتاقهای فکر خود طرحها و برنامه های حساب شده ای برای آن اتخاذ می کنند. آنها در جایی که احساس کنند جامعه ای مطابق با منافع، اهداف و خواسته هایشان پیش نمی رود، برای رسیدن به منافع خود و چپاول آنها، غیرمستقیم طرحهایی می ریزند تا افراد را مشغول و سرگرم کنند و به اهداف شوم خود برسند.

انگلیس در طرح استعماری خویش به عواملش چنین مأموریت داد: «در مسئله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند. باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی، ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی عباس متداول شده و مطلقاً سنت نیست. مردان، همسران پیامبر را بدون حجاب می دیدند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشتند. پس از آنکه حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق بازی و

روابط جنسی نامشروع با زنان عریان غیرمسلمان، تشویق کنند و این زنان باید کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند».

رکود آموزش و افت تحصیل:

فرهنگ هر جامعه ای، در بستر آموزشهای آن شکوفا می شود. مسلماً هر قدر آموزشها از غنای بیش تری برخوردار باشد، فرهنگ آن جامعه والاتر خواهد بود. جامعه ای که فرهیختگان و اندیشمندان آن بیش تر باشد، معمولاً از تمدن بالاتری برخوردار است و پویایی در تمامی زمینه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی کاملاً نمودار می شود. بدحجابی ذهن و اندیشه دختران محصل را درگیر شناخت انواع مد و مدل آرایش موی سر و صورت و همگون شدن با چهره های مشهور جهان می کند. بنابراین، آنان ناگزیرند وقت، انرژی و پویایی زیادی را که باید در راه علم اندوزی و پژوهش هزینه کنند، در مسیر طنازی و تن نمایی هدر دهند و به جای رشد و تعالی در جنبه های علمی و معنوی، خواهشهای نفسانی را در خود بپرورانند. متأسفانه با توجه به اختلاط محیطهای آموزشی کشورمان، پسران جوانی که در محیط تحصیل با این نوع دختران همکلاس و همدرس هستند نیز از آسیبهای این عشوهِ گری ها بی نصیب نخواهند ماند و به تبع آن درگیر نظر بازی، مشغله روحی و فکری شده و به جای تمرکز بر روی درس، به تصویرسازی و توهّمات برخاسته از نگاه به ایشان می پردازند که نتیجه ای جز رکود آموزشی، عدم پویایی علمی، افت تحصیلی و کاهش رشد عقلی نخواهد داشت.

گسترش رذایل اخلاقی و فساد:

بهره مندی از فضایل اخلاقی، یکی از حقوق آحاد جامعه می باشد. بدحجابی علاوه بر اینکه خود یک ناهنجار اجتماعی به شمار می آید و جامعه را به بی بندوباری می کشد، زمینه ساز بسیاری از زشتی های اخلاقی است. وقتی به پوشش و متانت بی اعتنایی می شود، مسائل اخلاقی دیگر نیز از جامعه رخت بر می بندد. بدلباسی، بداخلاقی را به دنبال دارد، چنان که مدپرستی، هواپرستی می آورد. جامعه ای که هر روز مد جدیدی را به شکلهای گوناگون بپذیرد، دچار بسیاری از بیماری های اخلاقی چون: غرور، تکبر، فخر فروشی، عصیان، قساوت قلب و... خواهد شد. هرگاه جامعه ای در انجام گناه جسارت پیدا کند، مفسد و معاصی رواج می یابد و در نتیجه زشتی گناه از بین می رود که این خود نیز گناه بزرگی است؛ یعنی جامعه ای که گناه را گناه نداند، به سبب رواج زیاد و همگانی شدن آن، سقوط خواهد کرد. بنابراین، بدحجابی قبح و زشتی گناه را از بین می برد و باعث رواج گناهان دیگر می شود.

امام صادق(ع) می فرمایند: «وَأَمَّا اللَّبَاسُ يَحْمِلُكَ عَلَى الْعُجْبِ وَالرِّيَاءِ وَالتَّزْيِينِ وَالتَّفَاخُرِ وَالْخِيَلِ فَإِنَّهَا مِنْ آفَاتِ الدِّينِ وَمَوْرَثَةُ الْقَسْوَةِ فِي الْقَلْبِ؛ لباست، لباسی نباشد که تو را به گناه خودپسندی، ریا، آراسته نشان دادن، مباحات به دیگران، فخرفروشی و تکبر آلوده کند؛ که تمام اینها از آفات دین و موجب سختی دل است».

آن زمان که در جامعه حجاب، عفت و حیا ارزش تلقی می شوند، حریمها حفظ و روابط افراد بر همین اساس تنظیم شده، اگر زنان به این ارزشها پایبند باشند، جامعه را از رفتن به سوی بی بندوباری ها حفظ می کنند و اجتماع بستر مناسبی برای بروز ارزشهای واقعی می شود.

اما اگر زنان این عناصر سازنده فرهنگ و منشهای خود را تغییر دهند و به خودنمایی و خودآرایی بپردازند، ارزشهایی چون حجاب، حیا و غیرت خدشه دار می گردد و در نهایت اجتماع را به تباهی و فساد می کشاند و ضد ارزشها، ارزشها را کنار می زنند.

اثرات مخرب نگاه های شیطانی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ) ؛ «به مؤمنان بگو چشمهای خود را از نگاه نامحرمان فرو گیرند».

شهوت غریزه ای است که خداوند متعال آن را در آدمی به ودیعه گذاشته است تا باعث بقای نسل و سامان دهی زندگی و حیات شود. این غریزه علاوه بر ارمغان آرامش و آسایش برای جامعه، آثار بسیار مطلوبی دارد؛ اما اگر از مسیر اصلی خود منحرف شود و در سمت و سویی دیگر قرار گیرد، آثار بسیار بدی برای فرد و جامعه خواهد داشت. بدحجابی از جمله مسائلی است که غریزه شهوت را از مسیر خود منحرف می سازد. زنان بدحجاب، نگاه های آلوده مردان هوس باز را به خود جلب می کنند و آتش شهوت را در دل آنان شعله ور و اثرات مطلوب آن را خنثی می سازند. از امام باقر و امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند: «مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يَصِيبُ حَظًّا مِنَ الزَّنا فَرَنَا الْعَيْنَيْنِ النَّظْرُ؛ اعضا و جوارح بدن افراد به نوعی از زنا حظ و بهره ای می برند، پس زنای دو چشم، نگاه (حرام) است. در جامعه ای که چشم چرانی بر اثر بدحجابی رواج پیدا کند، بر اثر عرضه زیاد و تقاضای کم، بسیاری از گناهان رواج پیدا می کند و سرانجامی جز حسرت طولانی نخواهد داشت. امام صادق(ع) می فرمایند: «النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ ابْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً؛ نگاه، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است. چه بسا یک نگاه، حسرت طولانی در پی دارد».

در چنین شرایطی، زندگی جمعی از دختران معصوم و ساده در امنیت ممکن نیست و چه بسا سبب از بین رفتن سرمایه عفت و پاکدامنی و آبروی خانواده ها گردد.

افزایش مشکلات روحی و روانی در جامعه:

تأمین سلامت روحی و روانی افراد، از دیگر حقوق آنها در اجتماع می باشد. بدجایی سبب می شود برخی از دختران و زنان برای جلب توجه و تحسین دیگران، هر روز بیش تر در باتلاق خودآرایی و خودنمایی فرو روند و همواره فکرشان درگیر بررسی و کشف جدیدترین مدل لباس و آرایش باشد و به زیبایی ظاهری خود به گونه ای افراطی رسیدگی کنند و تمام دغدغه شان لباس و آرایش شان باشد و همیشه در تلاش باشند تا ظاهر و شخصیت خود را با خواسته های هوس آلود مردان هوسباز همگون کنند و از آنجایی که این عطش روحی و خواسته های کاذب محدود نیستند، هیچ گاه اندیشه آرام و آزاد برای لذت بردن از خوشی های حقیقی زندگی ندارند و چنانچه نتوانند با مد و تقاضای روز پیش بروند، دنیا بر سرشان آوار می شود و اعتماد به نفس و ثبات روحی خود را از دست می دهند و امید و آرزوهایشان به ناامیدی می گراید. در مقابل، برخی از مردان نیز که تسلط بر خویشتن نداشته و از تقوای لازم برخوردار نیستند، در اثر ناز و عشوه این زنان تحریک شده، در صورت عدم دستیابی به حلال، دچار هزاران معضلات روحی و روانی گشته، تا جایی که در کیفیت و کمیت تمام امور زندگی فردی و اجتماعی شان اثر منفی می گذارد.

بی علائگی به ازدواج:

خداوند متعال برای هر نیازی که در انسان به ودیعه گذاشته، حقوقی نیز برای انسان برای برطرف کردن مشروع آن قرار داده است. آن زمان که بی بندوباری در پوشش و به تبع آن هرزگی جنسی در جامعه فراگیر شود، لذت جنسی که یکی از عوامل مهم گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده است، به راحتی در دسترس افراد قرار می گیرد و قطعاً این مسئله از میزان علاقه و گرایش به ازدواج در افراد می کاهد؛ چراکه آنان بدون هیچ تعهد و مسئولیتی و با کم ترین هزینه و بیش ترین تنوع و هوسرانی، کامیاب می شوند و با توجه به اینکه تشکیل خانواده و پذیرش مسئولیت آن، نوعی محدودیت و گرفتاری برای آنها به وجود می آورد، هرگز به تشکیل خانواده تن نمی دهند.

شهید مطهری (ره) می نویسد: «اختصاص یافتن استمتاع و التذادهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می سازد و موجب اتصال بیش تر زوجین به یکدیگر می شود. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود، در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ

روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می رود و در نتیجه، کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود. علت اینکه جوانان امروز از ازدواج گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد می شود، جواب می دهند که حالا زود است، ما هنوز بچه ایم و یا به عناوین دیگر از زیر بار آن شانه خالی می کنند، همین است. حال آنکه در قدیم یکی از شیرین ترین آرزوهای جوانان، ازدواج بود. جوانان پیش از آنکه به برکت دنیای اروپا کالای زن این همه ارزان و فراوان گردد؛ شب زفاف را کم از تخت پادشاهی نمی دانستند. ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار و آرزومندی انجام می گرفت و به همین دلیل، زوجین یکدیگر را عامل نیک بختی و سعادت خود می دانستند؛ ولی امروز معاشرتهای آزاد و بی بندوباری پسران و دختران، ازدواج را به صورت یک وظیفه و تکلیف و محدودیت درآورده است که باید آن را با توصیه های اخلاقی و یا احیاناً چنانکه برخی از جراید پیشنهاد می کنند، با اعمال زور بر جوانان تحمیل کرد. سیستم روابط آزاد اولاً موجب می شود که پسران تا جایی که ممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سر باز زنند و فقط هنگامی که نیروهای جوانی و شور و نشاط آنها به شعف و سستی می نهد، اقدام به ازدواج کنند و در این موقع، زن را فقط برای فرزند زادن و احیاناً برای خدمتکاری و کلفتی بخواهند و ثانیاً پیوند ازدواجهای موجود را سست می کند و سبب می گردد به جای اینکه خانواده بر پایه یک عشق خالص و محبت عمیق استوار باشد و هر یک از زن و شوهر همسر خود را عامل سعادت خود بداند، برعکس، به چشم رقیب و عامل سلب آزادی و محدودیت ببیند و چنانکه اصطلاح شده است، یکدیگر را زندانبان بنامند.

تیرگی روابط والدین و فرزندان:

احترام طرفینی از حقوقی است که خداوند برای فرزندان و والدین قرار داده است. ترویج بی حجابی و الگوهای نامناسب پوشش، زمینه ایجاد شکاف فرهنگی و عاطفی بین والدین و فرزندان را سبب می شود. این ناهمسویی در اکثر موارد منجر به بحث و تنش بین اعضای خانواده شده، سردی و تیرگی جایگزین روابط گرم و دوستانه می شود. از آنجایی که بدحجابی عاملی جهت تخریب ارزشها و فرهنگ خانواده های متدین می باشد، در این خانواده ها بدحجابی دختر باعث ایجاد تضاد بین وی و والدینش می گردد که اگر تذکرات و نصایح دوستانه والدین بر روی او مؤثر نباشد، غالباً به درگیری لفظی و فیزیکی منجر می گردد، و گاه حتی فرار از خانه را سبب می شود.

همچنین، پسرانی که بر خلاف نظر خانواده خود، دلباخته چنین دخترانی می شوند، والدین خود را در شرایط سختی قرار می دهند و گاه از طرف آنان طرد می شوند که همه این موارد باعث تیرگی روابط والدین و فرزندان می گردد.

سوء هاضمه های جنسی و عاطفی :

یکی دیگر از زوایای تضییع حق الناس بودن بد حجابی، سوء هاضمه های جنسی است. پوشش و حجاب، از یک سو ضامن سلامت اخلاقی جامعه و پابندی به هنجارهای دینی می باشد، و از سویی دیگر بستر تشکیل خانواده، تنظیم روابط جنسی و عاطفی و قاعده مند کردن آن را برای افراد فراهم می کند تا انسانها به تعبیری با ریزه خواری های شهوانی، به سوء هاضمه جنسی و عاطفی مبتلا نشوند. به تعبیر دیگر، حجاب سبب می شود حریمهای عاطفی و جنسی محفوظ بماند و افراد در جامعه محدوده تعاملات خود با دیگران را دریابند و با ارضای واقعی نیاز جنسی، پاکدامنی در اجتماع گسترش یابد و زندگی سالم تر و پاک تری برای زنان نیز فراهم شود.

امیرمؤمنان(ع) به امام حسن(ع) می فرمایند: «وَأَكْفَفُ عَلَيْهِنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَ» از راه حجاب و پوشش بانوان، آنها را بپوشان؛ زیرا رعایت حجاب به طور جدی و محکم، زنان را به طور سالم تر و پاک تر حفظ خواهد کرد.»

از هم پاشیدگی بنیان خانواده:

از آنجا که خانواده مهم ترین نهاد اجتماعی محسوب می شود، ثبات و سلامت آن، ثبات و سلامت جامعه را در پی دارد و چنانچه عشق و محبت بر آن حکمفرما شود، بستر بسیار مناسبی برای شکوفایی استعدادهای فردی می گردد و به تبع آن، جامعه نیز در مسیر پیشرفت و شکوفایی قرار می گیرد. برای رسیدن به این منظور، رعایت حجاب لازم و ضروری است؛ چراکه با رواج خودآرایی و تهییج جنسی در جامعه، بهره برداری های جنسی و دلدادگی های هوس آلود در خارج از محیط خانواده به راحتی میسر می گردد و به دنبال آن، باید شاهد افزایش طلاق و پیامدهای خطرناک آن، مانند افسردگی، سرشکستگی افراد خانواده، روی آوردن فرزندان به اعتیاد و بزهکاری و... باشیم.

افزایش آزار جنسی و ایجاد ناامنی:

از نعمتهای بزرگ الهی، نعمت امنیت می باشد. حضور زنان و دختران با پوشش نامتعارف و زننده در اجتماع، به جوانان و مردان هرزه اجازه خواهد داد تا به حریم آنان دست درازی کنند و آنها را مورد اذیت و آزار خود قرار دهند. در واقع، بی حجابی نقطه آغاز بسیاری از ناهنجاری ها و عامل مهمی در ایجاد مزاحمت های خیابانی به شمار می رود.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا) «ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک تر بوده، و خدا آمرزنده مهربان است».

در شأن نزول این آیه آمده است: هنگامی که شبها زنان برای نماز به مسجد می رفتند، بعضی از جوانان هرزه بر سر راه آنها می نشستند و آنان را با مزاح و سخنان ناروا آزار می دادند و مزاحم آنها می شدند. این آیه به زنان دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا از کنیزان، آلودگان و یهودیان شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند. ظاهر شدن زنان در جامعه با وضعیت نامطلوب حجاب، موجبات وسوسه و تحریک افرادی را که تدین و تقوای کافی ندارند، فراهم می کند تا پای خود را فراتر از آزارهایی از قبیل چشم چرانی و متلک پرانی دراز کنند و دست به اعمال خلاف عفت زده، سپس از ترس رسوایی و مسائل دیگر، دست خود را به هر جنایت پلیدی، حتی کشتن طعمه خود آلوده کنند. برای یافتن شاهد مثال، در قسمت حوادث روزنامه ها می توان نمونه هایی از این موارد را مشاهده نمود و بعضاً نیز اتفاق می افتد که به خاطر عدم رعایت حریمها، دو جنس مخالف شیفته و عاشق یکدیگر شده؛ اما به خاطر نبودن شرایط و امکان ازدواج، دست به خودکشی و کنار زدن تمام بایسته های زندگی خویش زده اند.

کم رنگ شدن حضور مثبت زنان در جامعه:

اسلام به پوشش و حجاب زن توجه خاصی دارد تا حضور او را در جامعه همراه با حفظ و سلامت نفسانی جامعه، تضمین کند. زنان بدحجاب در محل کار یا بیرون از خانه، به دلیل خودآرایی و خودنمایی، تمرکز حواس خود را از دست می دهند. زن با بدحجابی و آرایش، نه تنها به کار جدی نمی پردازد؛ بلکه نیروی کارآمد دیگران را نیز دچار سستی و رکود نموده، در نتیجه چرخه فعالیت کاری جامعه را به کندی رهنمون می سازد. بدون شک، کشاندن تمتعات جنسی و بصری از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد و آن را تا مرز فلج شدن پیش می برد و در آن صورت، آموزش، پژوهش، کار، تلاش و تولید، جای خود را به آرایش و خودنمایی، چشم چرانی و لذت جویی خواهد داد که به تدریج سقوط جامعه را در ابعاد مختلف فرهنگی و اقتصادی به دنبال خواهد داشت. برعکس آنچه که مخالفین حجاب گفته اند که: «حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است.» آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای او می شود، بی حجابی است.

اسلام نه می گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد؛ بلکه کسب علم و دانش را فریضه مشترک بین زن و مرد دانسته است. همچنین فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم نمی کند و هرگز نمی خواهد زن بی کار و بی عار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. واضح و مبرهن است که پوشاندن بدن به استثنای وجه و کفین، مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع می شود، آلوده کردن محیط کار به لذت جویی های شهوانی است. آیا اگر پسر و دختری در محیط جداگانه ای تحصیل کنند، یا فرضاً در یک محیط درس بخوانند؛ اما دختران بدن خود را بپوشانند و هیچ گونه آرایشی نداشته باشند، بهتر درس می خوانند و فکر می کنند و به سخن استاد گوش می دهند یا وقتی که کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده و... نشسته باشد؟ آیا اگر مردی در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و... با قیافه های محرک و مهیج زنان آرایش کرده دائماً مواجه باشد، بهتر سرگرم کار و فعالیت می شود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود؟ اگر باور ندارید، از کسانی که در این محیطها کار می کنند، بپرسید. هر مؤسسه، شرکت یا اداره ای که سخت مایل است کارها به خوبی جریان یابد، از این نوع آمیزشها جلوگیری می کند.

زیان اقتصادی و ترویج مصرف گرایی:

یکی از قاعده های فقهی که در سرتاسر فقه بدان استناد می شود و در بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی نیز می تواند کارساز باشد، قاعده لاضرر است. اشتغال زنان به خودآرایی و خودنمایی، فرهنگ غلط مصرف را ترویج می دهد. افزایش مصرف همان طور که سود بیش تری را به جیب کارخانه داران تولید لوازم آرایش سرازیر خواهد ساخت، از این سو سالانه خروج مقدار قابل توجهی ارز را به کشور تحمیل خواهد کرد.

لوازم آرایشی یکی از اقلام پرمصرف در ایران به شمار می رود، به طوری که به گفته مسئولین وزارت بهداشت، رونق این بازار، ایران را در ردیف هفتمین کشور وارد کننده در جهان و دومین در منطقه قرار داده است. رسول دیناروند، رئیس سازمان غذا و داروی کشور، چندی پیش اعلام کرد که ایران از نظر جمعیت هفدهمین کشور جهان است؛ اما از نظر مصرف لوازم آرایشی هفتمین کشور دنیاست. واردات رسمی لوازم آرایشی حدود یک میلیارد دلار در سال است؛ اما بیش از این میزان مواد آرایشی قاچاق وارد کشور می شود. در بسیاری از کشورها زنان بالای ۴۰ سال گرایش به سوی آرایش داشتند؛ اما اکنون سن آرایش کاهش یافته است. بر اساس برخی گزارشها، سن آرایش در ایران به زیر ۲۰ سال رسیده، در حالی که تمایل به آرایش در آمریکا و کشورهای اروپای غربی که گران ترین و مشهورترین برندها را تولید می کنند، ۴۰ سال است.

شهید مطهری (ره) می گوید: «حقیقت این است که این وضع بی حجابی رسوا که در میان ماست و از اروپا و آمریکا هم داریم جلو می افزیم، از مختصات جامعه های پلید سرمایه داری غربی است و یکی از نتایج سوء پول پرستی و شهوت رانی سرمایه داران غرب است، و یکی از طرق و وسایلی است که آنها برای تخدیر و بی حس کردن اجتماعات انسانی و در آوردن آنها به صورت مصرف کننده اجباری کالاهای خودشان به کار می برند.

رو آوردن به کسب درآمدهای نامشروع:

با رواج بدحجابی، چشم و هم چشمیها، خودنمایی و مدگرایی در جامعه به سرعت فراگیر شده، مردم را از فعالیتهای سالم و مسیر تعالی باز می دارد. به بیانی دیگر، زنان در میدان رقابتی باطل و بیهوده سرمایه عفاف خویش را سهل و ارزان فدای جلب نگاه های هرزه و هواپرست می کنند. این داد و ستد شیطنانی هزینه های گزافی را به آنها تحمیل می کند که خیلی از این افراد سرمایه لازم مالی را جهت این همه خرجهای گزاف و بیهوده ندارند. بنابراین، همت خود را به کار می گیرند تا از هر راهی، حتی دزدی، رشوه، اختلاس، کلاه برداری و... هزینه هنگفت مخارج خود را تهیه نمایند. از آن طرف هم بسیار پیش می آید که پسران هرزه ای که وضعیت مالی مناسبی ندارند، به دنبال جلب نظر دختر مورد علاقه خود، سعی می کنند هرچه سریع تر و از هر راه ممکن ثروت فراوان به چنگ آورند تا در رسیدن به هوس خود ناکام نمانند.

نتیجه گیری

احکام و دستورات موجود در اسلام همه بیانگر توجه دقیق و موشکافانه اسلام نسبت سلامت جامعه و فرد می باشد. در روابط اجتماعی عفاف و حجاب رمز بهداشت و سلامت روانی جامعه است و یکی از ارزش های والای انسانی و اسلامی به شمار می رود که سرچشمه ارزش های دیگر و موجب آثار درخشان معنوی است که می توان آنها را از پایه های اخلاق و صفت کلیدی برای عقب زدن رذایل در روابط اجتماعی و سوق دهنده به سوی تکامل و درجات عالی و کمالات متعالی زنان و مردان در جامعه دانست. در بین مسائل مختلف اخلاقی و اجتماعی خانواده رعایت عفاف و حجاب زنان و مردان و نحوه ارتباط های اجتماعی از مسائل مهمی است که متأسفانه امروزه در جوامع با تهاجم و شبیه خون فرهنگی مورد غفلت و تسامح و تساهل قرار گرفته است و بنیان خانواده و اجتماع را مورد هجوم قرار داده است. وضعیت موجود در روابط اجتماعی و خانوادگی نشان می دهد که نوعی انحراف از فطرت زنان و مردان ایجاد شده است که ماحصل آن گامی به سوی بی بندوباری و فساد در روابط اجتماعی است.

جهت حل معضلات و مشکلات اجتماعی نیاز به الگوی عملی برای زنان و مردان است که با پیروی از این الگو و همانندسازی می توانند مسیر هدایت و سعادت و آرامش را به دست آورند که با توجه به وضعیت عفاف و حجاب

در جامعه امروزه و آشنایی با سیره و الگوگیری در گفتار و رفتار و رعایت عفاف در روابط اجتماعی بسیار ضروری و حیاتی است. با رعایت حجاب و عفاف از طرف مردان و زنان (به ویژه بانوان در زمینه حفظ حجاب) جامعه از بسیاری از خطرات حفظ خواهد شد و مهمتر از همه اینکه با حفظ حجاب بنیان خانواده که اصلی ترین نهاد اجتماع است در معرض خطر قرار نمی گیرد. برای ایجاد فرهنگ حجاب و پوشش مناسب در جامعه، باید ابتدا پایه های اعتقادی و بینش افراد را نسبت به این موضوع محکم کنیم. برای رسیدن به این منظور باید فرهنگ حجاب در جامعه گسترش پیدا کند و این یعنی نهادهای سازی باورهای درست و فرهنگ سازی دقیق در جامعه که در این امر دولت خود مردم رسانه های گروهی می توانند نقش مؤثری بر ترویج حجاب داشته باشند که در صورت تحقق این موضوع جامعه از خطرات حفظ و آسیب های اجتماعی کاهش می یابد. بنابراین، تهدید و اجبار، هیچ گاه به عنوان اولین راهکار اثربخش نخواهد بود. حجاب و عفاف یک دستور دینی است و از مسائل مهم و کلیدی جامعه ما است؛ با بسیاری از مسائل پیوند خورده و دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است. حیا و پاکدامنی در ذات زنان نهادهای و در دین مبین اسلام نیز بر آن تاکید فراوانی شده است. زیرا پای بندی و عمل به احکام و دستورات دینی، موجب سعادت و سلامتی بشریت می شود. همان طور که رعایب آن به عنوان یک امر ضروری می تواند مفید باشد، عدم رعایت آن نیز پیامدهایی منفی را به همراه دارد. حجاب و عفاف از ضرورت های اجتماعی جوامع انسانی است و نهادهای شدن فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه ضامن سلامت جامعه می باشد. سیمای حقیقی حجاب و عفاف محدود کردن و تحمیل سختی بر زن نیست، بلکه به منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم محسوب می شود. از ارزنده ترین نمودهای فرهنگی اجتماعی در تمدن ایرانی- اسلامی است که پیشینه «حجاب» آن به قبل از ورود اسلام می رسد، اما در فرهنگ اسلامی به اوج تعالی و منتهای ارزش و اعتبار خود می رسد. حجاب و عفاف پدیده ی مذهبی- ارزشی مهمی در تعالیم اسلامی است و توجه به زمینه های فرهنگی- اجتماعی به عنوان بستر آن بسیار شایسته و لازم است و اشاعه و تعمیق آن نیازمند آموزش های بنیادین و مداوم در خانواده مدرسه دانشگاه و اجتماع است. بحث عفاف و حجاب محدود به زمان خاص و معین نیست، بلکه همواره باید به عنوان اصل اساسی ارزشی و اسلامی در جامعه جاری و تا ابد پایدار و ماندگار بماند. رعایت حجاب و پوشش یک نیاز طبیعی و ذاتی برخاسته از فطرت انسانی است. بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان حوزه دین و اجتماع یکی از ریشه های مهم مشکلات و نابسامانی های جوامع را، فقدان با ضعف عفاف و حجاب می دانند. ریشه بسیاری از مفاسد اجتماعی بی حجابی و عدم رعایت این تکلیف دینی است.

بدیهی است که در کنار شرایط مساعد اجتماعی ارزش تلقی کردن و الگوپذیری این فرهنگ نیازمند درونی و نهادهای شدن آن در وجود افراد است. بدون شک رسیدن به این هدف نیازمند مشارکت و توجه جدی همه نهادها

و دستگاه‌ها به صورت مستمر و هدفمند است برای ایجاد فرهنگ حجاب و پوشش مناسب در جامعه، باید ابتدا پایه‌های اعتقادی و بینش افراد نسبت به این موضوع را محکم کنیم و این یعنی نهادینه‌سازی باورهای درست و فرهنگ سازی دقیق. بنابراین تهدید و اجبار، هیچ‌گاه به عنوان اولین راهکار، اثربخش نخواهد بود. رعایت حجاب، زمینه‌ساز بهداشت روانی بوده که با تقید به معنویات تقویت می‌شود و تردید در باورها، حجاب را تضعیف می‌کند.

یکی از نیازهای حقیقی در زمینه‌های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی مسأله عفاف و حجاب است. هرچه الگوهای عفاف و حجاب مراتب برتر و بالاتری داشته باشند، تأثیر بیشتری بر معنویت و دینداری فرد و جامعه خواهند گذاشت و هرچه حجاب فردی و اجتماعی، متعالی باشد، تقدس و حرمت اخلاقی و رشد و تعالی جامعه اسلامی بیشتر خواهد بود. حجات آثار تربیتی در دو زمینه فردی و اجتماعی دارد که مهم‌ترین آثار حجاب در بعد فردی شخصیت، سلامت جسمانی، استحکام خانواده، آرامش و امنیت و در بعد اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، آزادی زن، سلامت اخلاقی جامعه و حفظ نیروی کار اقتصادی و حفظ استقلال فرهنگی است.

منابع :

- ۱- ماریه محمودی، یگانه، عفاف و حجاب از دیدگاه آیات قرآن و احادیث، نشریه علوم اسلامی انسانی، جلد اول، شماره ۲۳، سال، ۱۳۹۹، دوره : ۶ ، صفحات ۳۴-۴۳
- ۲- حسن زاده، محمدجواد، حجاب از منظر اسلام و روانشناسی، سال ۱۴۰۱، دوره برگزاری، ۳
- ۳- نشریه پژوهش های مطالعات اسلامی معاصر سال ۱۴۰۲ / دوره ، ۱ / شماره: ۹، شماره ۹ / اسفند ، جلد ۱ / صفحات ۱-۲۲
- ۴- مطیرزاده معرف، سکینه / محمدی، محمد مهدی / هاشمی، سیدمحسن / نگرش دانشجویان دختر به فرهنگ عفاف و حجاب و برخی عوامل مؤثر بر آن / سال ۱۳۹۶ / دوره برگزاری، ۱۱
- ۵- ربیعی، سکینه / مجله طوبی ، خرداد ۱۳۸۶ / شماره ۲۰
- ۶- مجله مبلغان : خرداد / تیر ۱۳۹۷ / شماره ۲۲۸ / م، مودب